پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: امیر رجبی

صفحه آرایی و گرافیک: کانون زرشید

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۲۳۱۲۴۱ نمابر: ۳۳۲۳۱۲۴۲

وب سایت: www.qazvin.ir/web/payameshahr

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

سه شنبه ۱۸ تیرماه ۱۳۹۸ | ۶ ذی القعده ۱۴۴۰ | شماره ۳۴۳

نگاه روز

طبیعت از دریچه هنر

محمد اسدی، نقاش و مدرس هنر

نمایشگاه طراحی با موضوع طبیعت در گالری هنرمندان افتتاح شد. خانم‌ها شاهد نیا، علیخانی و حبیب زاده سه هنرمند جوان شهر تجربه گروهی با یک موضوع مشترک را زیر نظر استاد خود داشتند که حاصل این تجربه ۱۶ اثر بود و بر روی دیوار کافه گالری هنرمندان برای علاقه‌مندان به نمایش گذاشته شد.

نکته مهم در این نمایشگاه می توان به تاثیر مدرس و روش آموزش اشاره کرد؛ نکته‌ای که این روزها در آموزش هنر کمتر به آن توجه می‌شود. مهدی چیت سازها خود سال‌های بسیاری را در رشته نقاشی تجربه کرده، دانش آموخته دانشگاه هنر تهران است و مسائل روز هنر به ویژه هنرهای تجسمی را خوب می‌داند، مطالعه در حوزه تئوری هنر و آشنایی ایشان از سینما او را مدرس آگاه و آشنا به کار خود کرده، به گونه‌ای که تاثیر مستقیم این تجربه‌ها را در آثار شاگردانش می‌بینیم و خانم‌ها حمیده شاهد نیا، زهرا علیخانی و سارا حبیب زاده هم جدا از این امر نیستند. وقتی به آثار این سه هنرمند بر روی دیوار کافه گالری هنرمندان نگاه می کنیم متوجه این تاثیر پذیری و روش صحیح آموزش می‌شویم.

آشنایی با تکنیک‌های مختلف طراحی و استفاده از ترکیب مواد و متریال‌های مختلف، ترکیب بندی آثار و نوع نگاه هنرمندان جوان به موضوع طبیعت همه نشان از این دارد که کاملا آگاهانه به دنبال مطالعه بودند و توانستند از یک موضوع کاملا آشنا چون طبیعت برخورد مناسبی داشته‌باشند. هرچند در استفاده از تکنیک‌ها کاستی‌هایی در آثار وجود دارد، دلیل آن هم گستردگی این تکنیک‌ها و متنوع بودن آن‌هاست که نیاز به تجربه و تمرین بیشتر است، شاید کارها هنوز به پختگی کامل نرسیده‌اند؛ اما از استانداردهای لازم از نظر آموزشی دارا هستند که این خود نشان دهنده انتخاب درست مسیر هنری این سه بانوی هنرمند است.

امیدوارم همه هنرجویان عزیز و علاقه‌مندان به رشته‌های تجسمی به اهمیت بسیار زیاد رشته طراحی پی ببرند و بدانند که همه چیز از طراحی شروع خواهد شد، هنرجو با طراحی کار خود را آغاز کند و همان ابتدای راه طراحی را به درست‌ترین شکل خود آموزش ببیند.

جارچی

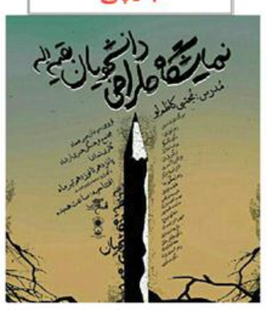

• نمایشگاه گروهی طراحی دانشجویان دانشگاه بقیه الله در نگارخانه تماشا مجتمع فرهنگی ارشاد برگزار شد. این نمایشگاه آثاری از هنرجویان مجتبی کاظم لو را شامل می‌شود که از ۱۵تا۱۹تیرماه ۹۸ برقرار است.

• نمایشگاه «در امتداد خط» روز جمعه هفتم تیرماه در گالری سرزمین هنر میزبان گروه بزرگی از طراحان کشور از جمله چهار هنرمند قزوینی، آرش لاهیجی، امیر عباسی، نیما کریمی و پریسا پگاه بود. این نمایشگاه تا روز ۱۷ تیرماه هر روز برقرار است و علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت ۱۱تا ۲۱ درتهران برگزار می‌شود.

• نیماحسن بیگی، نویسنده قزوینی در مسابقه داستان‌نویسی «خاطرات گمشده» باداستان کوتاه «سَپوهین» و همچنین نخستین جشنواره ملی نمایشنامه‌نویسی «میرزا آقا تبریزی» (گرامیداشت ایوبِ آقاخانی) با نمایشنامه «سردِ سُرخِ تبریز» دو جایزه ادبی را کسب کرد.

گپ

پلی از جنس شیشه به خانه

گفت و گو با مرتضی نادی فر، کارگردان تئاتر

وقتی یک اتفاق خوب هنری در شهر می‌افتد، همه خوشحال می‌شوند و از آن برای یکدیگر تعریف می کنند. نمایش «خانه» در این روزها به اجرا درآمد و مخاطبان با لبخند رضایت شان گرد خستگی را از تن عوامل نمایش تکاندند.از نگاه آن‌ها خانه از لحاظ مختلف مانند متن،طراحی صحنه و بازی یک قدم بزرگ به سطح تئاتر حرفه ای نزدیک شده‌بود. برای آنکه بدانیم کارگردان جوان و فعال نمایش چگونه می‌اندیشد که توانسته امروز خانه را خلق کند،قبل از اجرا در سالن علامه رفیعی با «مرتضی نادی فر» به گفت وگو نشستیم که در کارنامه‌اش کارگردانی آثاری چون «ترکش»، «پلی از جنس شیشه»، «بن بست» و«مرگ ناصری» را دارد.

گل اندام صفری

● از گذشته شروع کنیم؛زمانی که نوجوان بودی،آیا مثل خیلی از هنرمندان در خانه با مخالفت برای انجام کار هنری مواجه می‌شدی؟

بله؛ من هم با این مسئله درگیر بودم که می گفتند هنر نان و آب نمی‌شود؛بنابراین زمان انتخاب رشته دانشگاه نتوانستم هنر را انتخاب کنم و نقشه برداری خواندم و در کنار آن هنر را ادامه دادم.

● کدام یک از نمایش‌هایت را بیشتر از بقیه دوست داری؟

برای من هر کدام از نمایش‌ها، ویژگی‌های خاص خود را دارند و سعی کرده‌ام یکی بعد از دیگری از جنبه‌های مختلف تکمیل‌تر شود. از این جهت می‌توانم بگویم نمایش اخیر؛«خانه» نسبت به نمایش‌های قبلی سطح قابل قبول‌تری داشته و بیشتر دوستش دارم.

فکر می کنی تئاتر قزوین در سطح حرفه‌ای قرار دارد؟ اگر نه، دلیلش چیست؟ با سطح حرفه‌ای و استاندارد فاصله زیادی داریم و علت اصلی آن هم مسائل مالی و کمبود بودجه است.

به چه سبک کاری علاقه داری و تلاشت برای رسیدن به چه سبک خاصی در کارگردانی است؟

من به سبک پست مدرن علاقه زیادی دارم و سعی می کنم ویژگی‌های آن را که بسیار هم پیچیده و گسترده است، پیاده کنم. تلاش می کنم همین خط فکری و سیر کارگردانی را ادامه دهم و تکمیل تر کنم.

● اگر بخواهیم یک تم مشترک را در آثارت ببینیم، آن چیست؟

من فکر می کنم ویژگی مشترک محتوایی آثارم با توجه به دغدغه‌هایم گذار از سنت به مدرنیته و دغدغه‌های انسانی در این خصوص است.

● برای تو کدام مهمتر است و رسیدن به آن را موفقیت می‌دانی؟ اینکه در جشنواره‌ها جایزه بگیری یا اینکه کاری روی صحنه ببری که مخاطب بیشتری از آن لذت ببرد؟

قطعا هدف هر هنرمندی جذب مخاطب است و ما اثری را برای خودمان خلق نمی کنیم. برای همین، دیده شدن اثر چه در اجراهای عمومی و چه در جشنواره‌ها برایم اهمیت دارد؛ اما به‌طور خاص برای جشنواره و جایزه گرفتن کار نمی کنم.

● بعضی هنرمندان تئاتر می‌گویند جشنواره‌های تئاتر به دلیل موضوعی بودن، خلاقیت را از هنرمند می‌گیرند، بعضی دیگر با جشنواره‌ها موافق‌اند. دیدگاه شما چیست؟

به‌نظر من جشنواره اگر مایه‌ی اشتیاق و تحرک هنرمند شود، مفید است؛ اما اگر با اعمال سلیقه داوری صورت گیرد و آثار آنگونه که باید دیده نشود، می‌تواند مضر هم باشد.

● تئاتر به دلیل اجرای در لحظه، گاهی مسبب هیجانات، کنش‌ها و تاثیرات عمیق لحظه‌ای بر مخاطب می‌شود. بازخورد به یاد ماندنی‌ای از اجراهایی که داشتی به خاطر داری؟

بله؛ در خاطرم است بعد از اجرای «مرگ ناصری» در سال ۹۱ زن و شوهری آمده بودند و بعد از اجرا خانوم نزد من آمد و از اجرا تشکر کرد و گفت همسرم با اجرای شما یاد جنگ و خاطراتش افتاد و در حیاط سالن مشغول گریه کردن است.

سراغ اجرای «خانه» برویم.خانه طراحی صحنه بسیار خوب و متفاوتی دارد. در اجرای اخیر هر آنچه در ذهن داشتی در طراحی صحنه توانستی اجرا کنی؟

بیشتر از آنچه در ذهنم بود اتفاق افتاد؛ اما به دلیل محدودیت مالی برخی موارد را هم نتوانستم اجرا کنم. مثلا قسمت چت دختر و بخش دیگر قرار بود به شکل ویدئو دیده شود؛ اما امکان اجرا نبود.

● مشکل و مسئله اصلی تئاتر قزوین چیست که باعث شده رونقی که باید را نداشته‌باشد؟

به‌نظرم دو مسئله اصلی سبب شده تئاتر قزوین رونقی که باید نداشته‌باشد. یکی نبود سالن نمایش مناسب است که در جذب مخاطب بسیار تاثیر گذار است و دیگر تبعیض‌های تبلیغاتی و مالی است. بودجه اندکی که گاهی می‌توان از ادارات مربوطه جذب کرد عادلانه تقسیم نمی‌شود و فضای تبلیغاتی به نسبت مساوی در اختیار هنرمندان تئاتر قرار نمی گیرد که باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

● با وجود این مسائل آیا اعتقاد داری تهران رفتن باید حتما اتفاق بیفتد تا موفق شوی؟

نه؛ این‌طور فکر نمی کنم؛ حتی برای من موقعیت کار و زندگی در تهران پیش آمد، اما نتوانستم بمانم و به قزوین برگشتم. من فکر می کنم در همین شهر هم می‌توانیم کار کنیم و موفق شویم.

● در آینده منتظر چه خبرهایی از مرتضی نادی فر باشیم؟

آنقدر دقیق و با چارچوب مشخص نمی‌توانم بگویم برنامه‌ام برای چند سال آینده چیست و سعی می کنم رها و براساس دغدغه‌های پیش آمده اثر خلق کنم؛ اما همچنان می‌خواهم در مسیر سبک پست مدرن حرکت کنم، ولی علمی‌تر، جدی‌تر و با شناخت و تلاش بیشتر.

سینما شهر

سرخپوست؛ زیبایی شناسی خلاق

الهه پگاه

«سینما یعنی داستان سرایی؟ یا سینما یعنی واقعیت؟زیبایی شناسی سینما،نخستین قدم درهم شکستن واقعیت است. ما چیزها را ازهم جدا می کنیم و با دوباره کنار هم گذاشتن آن‌ها واقعیت تازه‌ای می‌آفرینی که با واقعیت روزمره متفاوت است و هر فیلمی به گونه‌ای بر یک معماری انسانی استوار است.» این‌ها جملات استاد عباس کیارستمی در کلاس‌های درس اوست و وقتی فیلم سینمایی سرخپوست را دیدم، به یاد این درس افتادم. وقتی فیلم سرخپوست، دومین اثر نیما جاویدی را می‌بینیم و از سالن بیرون می‌آییم، حسی متفاوت نسبت به دیدن فیلم‌های معمول و تکراری این روزها داریم؛ حس می کنیم فیلمی دیده‌ایم که به قواعد بین‌المللی بسیار نزدیک است و دلیل آن فارغ از اینکه فیلم، فیلمنامه‌ای نو دارد، هوشمندی کارگردان در استفاده از زیبایی شناسی خلاقانه است. این زیبایی شناسی در بخش‌های مختلف مانند استفاده درست از نور و رنگ، قاب‌بندی‌های بجا و اصولی، استفاده درست از موسیقی و خلق میزانسن‌های دقیق دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که با درهم تنیده شدن درست فرم و محتوا، بیننده را بدون اینکه لحظه‌ای احساس خستگی کند، تا انتها کنجکاوانه با خود همراه می کند. در کنار همه‌ی این‌ها، داستان سرایی جذاب، استفاده از بازیگر اصلی فیلم(نوید محمدزاده) درنقش متفاوت از فیلم‌های دیگر و گره افکنی و تعلیق فیلمنامه تا به انتها همگی در خلق تجربه‌ای تازه در سینمای ایران کمک کرده‌است.

داستان فیلم سینمایی سرخپوست مربوط به اواخر دهه چهل است که با تخریب زندان و انتقال زندانیان به زندانی دیگر، یکی از آن‌ها گم می‌شود و رییس زندان به همراه خانم مددکار که رابطه عاشقانه‌ای نیز که بین آنها جاری است در پی یافتن زندانی هستند که قرار است به زودی اعدام شود.

یک اثر یک تجربه

کودکان کار؛ زندگی تازه

زهرا غیاثوند

شهریور ۱۳۹۷ بود که کارگاه تئاتر شورایی «زاغ» با حضور کودکان کار در کلاسی کوچک در محله‌ی خیابان شهید انصاری شکل گرفت. در ابتدا همه چیز یک تجربه، یک حضور برای گفت وگو و نوشتن از داستان‌ها و روایت‌های واقعی زندگی کودکان کار بود؛ اما اول تیرماه سال ۱۳۹۸ تصمیم گرفتیم تا اجراهای کارگاه تئاتر و اجرا «زاغ» را به صورت عمومی، هر هفته در سرای سعدالسلطنه اکران کنیم تا داستان‌ها، حضور و تجربه‌های خودمان را با سایر مردم شهر سهیم شویم.

من به عنوان نماینده کارگاه تئاتر و اجرای زاغ، امروز بعد از دو هفته از شروع اکران‌های عمومی که هر هفته‌ی آن، اجراکنندگان کارگاه اجرای جدیدی را به مخاطب‌ها ارائه می‌دهند، می‌خواهم از دقایق آخر اجرای ۱۱ تیرماه بنویسم؛ زمانی که رامین، اجراگر اصلی آن روز، جلوی همه ایستاد و با صدای بریده بریده کلمات روبه رویش را خواند تا حق تحصیل رایگان و اجباری همه‌ی کودکان را یادآوری کند، اجرا تمام شد، همه اجراگران را تشویق کردند؛ اما کسی سالن را ترک نکرد. سه بار به عنوان سرپرست کارگاه اعلام کردم دوستان اجرای ما به پایان رسیده، اما کماکان همه در سالن نشسته بودند. آنقدر حضور همه در آن لحظه پررنگ بود که من هم مجبور به نشستن شدم. در چشمان همه حرف‌ها و گفت وگوهای نگفته موج می‌خورد. بله؛ تئاتر واقعی زندگی تازه شروع شده‌بود؛ تئاتری که دیگر همه در آن کنش گر بودند، همه آماده بودند تا از حق زندگی برای هم حرف بزنند؛ اما هنوز جای حضور بقیه مردم شهر خالی است، و ما همچنان منتظر مردم در هفته‌های آینده هستیم.

واژه نامه

مینا حاجی شفیعی

● واژه‌ی فخیمه ی: هِسنَه هِسنَه

hesna hesna

به معنی: نفس نفس زدن

مثال یک: یکی نیس بشش بگَد مَیَه مَژبوری انقَذَ بتخی؟ «کا اَ تو نیس کانبار کی اَ تواَس «اَ انقَذَ خوورِدَسا وَزمِشَ رَفتَه اس بالا، دو قَدَم کی را مرَد به هسنَه هسنَه مفتَد، خیلی بَدَس آدَم نَتانَد شیکمشَ نگَ دارَد! اَصَنا دَلَه اس!

مثال دو: اینا اَ همون وقتی که قَقَلَ بودا ریاش مُشکل داش، دَ خواب نفسش به تَنگا مفتاد هَمَش هسنَه هسنَه مزد انقَذَ این هاجَر بَخ سیا اینَ مکشید به کولش اَ این بی داری به اون بی‌داری کی نگو! سَر آخرم هیش این کوَت ننگا نَفَمیدن اَین چِشَس. سالانِ سالَس فِس فِسش دَ جیبشَس، ماکِسِش دَ دَهَنَش

*پی نوشت

۱-کا اَ تو نیس کانبار کی اَ تواَس - کاه از تو نیست کاه انبار که از توست!

نگارخانه شهر

روایت آدمک‌های بی صورت

علی کاظم لو

در هر کجای دنیا که باشی، تاریکی و روشنی خواهد بود فقط اندازه‌اش متفاوت است.

متین نوروزی، پس از دو یا سه سال سماجت تمام و تلاش متکی به خود توانست اندیشه‌هایش را در گالری مهر و ماه با ما به اشتراک بگذارد؛نمایشگاهی پر از تاریکی، خون، زندان، قلب شکسته، دار و گاهی زندگی و بسیار اندکی امید؛ نمایشگاهی با طنزی تلخ و سیاه.

متین در آثارش ژانر فلز سیاه را برگزیده که ژانری مهم و تاثیر گذار در کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی است؛ به ویژه آنکه حذف کامل رنگ در آثارش (به جز در مواردی که خون را نمایش می‌دهد) و حذف نقش رایج کادر و زمینه در آثارش و پرهیز از معلق گویی یک راست و سر راست ما را به دیدن آن چه کشیده‌است جلب می کند، گویی انتخاب خط به عنوان مهمترین عنصر طراحی بر این خواسته‌ی طراح تاکید داشته‌است.

کاراکتری که طراح برای بیان موضوعاتش انتخاب کرده که البته در آینده قوام و قدرت خواهد یافت، با هوشمندی طراح بدون اعضای صورت و میمیک خنثی و مهمتر از همه بدون داشتن جنسیت زن و مرد است، تا بدانیم در اتفاقات تاریک و روشنی که در آن سهیم هستیم، صرفا به دلیل انسان بودنمان مسئولیم نه جنسیتمان.

پرسه در شهر

سفر به دنیای رنگی

شادی کلجه

در میان خبرها و مطالب مختلف این روزها مانند وضعیت نا به سامان اقتصادی، تعدیل هر روزه نیروهای کارگری و اخبار خاکستری دیگر، پوستر یک اتفاق هنری خوب نظرم را جلب می کند و کنجکاو می‌شوم نمایشگاه «رنگ و آب» «اسما سپاهیان» را ببینم. در یک عصر تابستانی به گالری مهر و ماه حوزه هنری می‌روم و یکی یکی تابلوهای نقاشی را از نظر می گذرانم. وقتی درباره سبک آثار از سپاهیان سوال می کنم، می گوید از سبک آبرنگ استفاده کرده به این خاطر که در این اوضاع نابسامان بتواند با رنگ‌ها به مخاطبان تابلوهایش دنیایی از رنگ و حال خوب هدیه دهد و آن‌ها را به سفری از این دنیای خاکستری و سرد به دنیایی رنگارنگ و شاد ببرد.

چشم می گردانم و در همه تابلوها به دنبال پیام مشترکشان می گردم. برای آنکه مطمئن شوم سخن آثار را خوب شنیده‌ام، از سپاهیان سوال می کنم. می‌بینم او هم تلاش کرده با استفاده از آب رنگ این پیام را بدهد که همان‌طور که آب مایه حیات است و به نقاشی‌هایش زندگی بخشیده، رنگ‌ها هم به آن زیبایی داده‌اند، درست مثل زندگی ما که بدون آب و رنگ مفهومی ندارد.

چیزی که در نمایشگاه نظرم را بسیار جلب می کند، استفاده از گلدان‌های زیاد در نمایشگاه است و دلیل حضور آن‌ها از زبان سپاهیان این است که گیاهان بی‌شباهت به ما نیستند. ریشه گیاهان با آب استوار می‌ماند و ادامه‌ی حیات ما هم به آب وابستگی دارد و حس زنده بودن و رنگ‌های طبیعی گیاهان باعث می‌شود که با استفاده از گلدان‌ها هنرمند پیام ذهنی خود را دیگر بار به مخاطبان برساند «زندگی بدون آب و رنگ هیچ معنا و مفهومی ندارد.»

با اینکه چهارمین نمایشگاه اسما سپاهیان است، وقتی به افراد حاضر در گالری نگاه می کنم، برایم جالب است که از هر رشته هنری می‌شود یک نفر را آنجا دید، هنرهای تجسمی، سینما، تئاتر، شعر و من به این باور می‌رسم که انگار همه ما به‌دنبال این رنگ‌های گم شده در زندگی‌مان می گردیم.

وقتی از گالری بیرون می‌آیم، در ذهنم تنها تصویر گل‌های رنگارنگ و با طراوت است که گرمی هوای عصر تابستانی را برایم به نسیمی بهاری بدل می کند.